

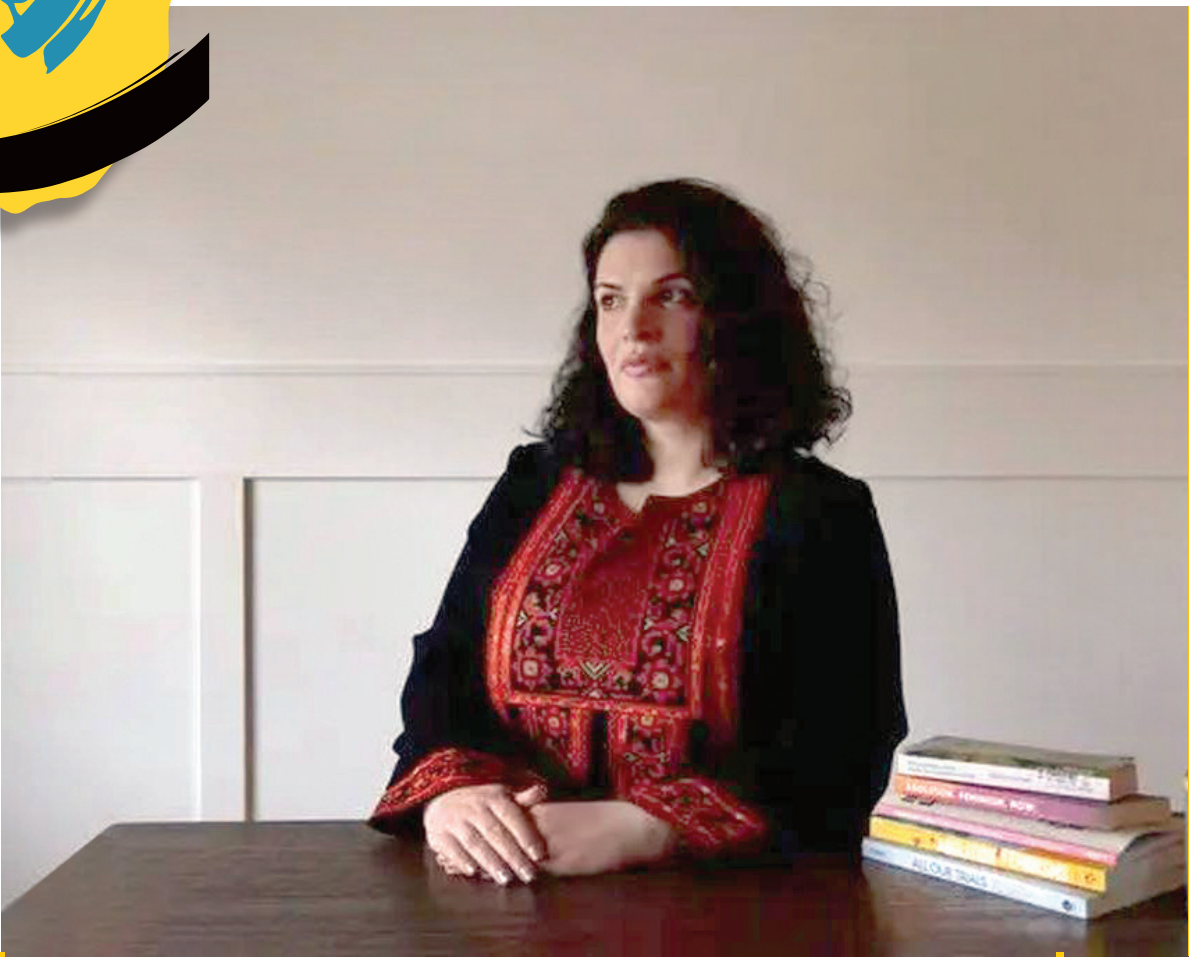
ترور آزادی به نام آزادی

گفت و گو با استاد ایرانی دانشگاه آرکانزاس آمریکا درباره پشت پرده حذف استادان منتقد اسرائیل، آغاز فرایند اخراجش چرایی پیروزی استراتژیک ایران در جنگ ۱۲ روزه و...

فائزه مهاجر | روزنامه نگار



در سرزمینی که نماد آن مجسمه آزادی است و در جایی که باید نماد آزادی بیان باشد یعنی دانشگاه، دکتر شیرین سعیدی، دانشیار علوم سیاسی و پژوهشگر مطالعات خاورمیانه نه تنها از سمت خود به عنوان مدیر مرکز مطالعات خاورمیانه در دانشگاه برکنار می شود بلکه حق تدریس هم از او گرفته و عملاً از دانشگاه اخراج می شود. اتفاقی که به گفته بسیاری از متخصصان علم حقوق در آمریکانادر محسوب می شود. او که به دلیل یک اظهار نظر علمی و قدردانی از مدیریت استراتژیک رهبر انقلاب در بحبوحه جنگ ۱۲ روزه، با برچسب «تهدید امنیتی» و فرایند اخراج از سوی مدیریت دانشگاه مواجه شده است، حالا پرونده حقوقی خود را به نوعی نبرد برای آزادی بیان در کشوری که خود را امهدموکراسی می داند، تلقی می کند. کشوری که در آن برای یک استاد دانشگاه در مرتبه دانشیاری، ایستادن در کنار حقیقت به قیمت یک عمر فعالیت آکادمیک تمام می شود. دکتر شیرین سعیدی حالا در میانه یک نبرد حقوقی بی سابقه برای بازپس گیری کرسی خود ایستاده و معتقد است مبارزه او شخصی نیست؛ بلکه ایستادگی در برابر جرم انگاری حقیقت است که حالا به یک روال عادی در آمریکاتبدیل شده است. در پرونده امروز زندگی سلام با او به گفت و گو پرداختیم. در این گفت و گو صریح، دکتر سعیدی از پشت پرده فشارهای مالی ای یک بر دانشگاه ها، تلاش رسانه های فارسی زبان برای ترور شخصیت استادان مستقل و روایتی متفاوت از پیروزی استراتژیک ایران در جنگ ۱۲ روزه برایمان سخن می گوید.



بدعت حقوقی در دانشگاه های آمریکا

در ابتدای مصاحبه با دکتر سعیدی درباره ماجرای برکناری او سوال می کنم که می گوید: «تصور اولیه این بود که فقط از مدیریت مرکز خاورمیانه کناره گرفته شده ام و کرسی تدریس همچنان پابرجاست. اما آنچه رخ داد، واقعا کم سایه است، آن هم برای استادی که دانشیار است. مرتبه دانشیاری در آمریکا یعنی آن قدر آزادی بیان برای شما وجود دارد که بتوانی حرف هایی بزنی که حتی جامعه یا حاکمیت آن را نپسندد. کمتر از دو هفته، روندی آغاز شد که به گفته بسیاری از وکلای متخصص حقوق دانشگاهی در آمریکا، نمونه مشابهی برای آن وجود ندارد. در ایالات متحده، به ویژه در دانشگاه ها، آزادی بیان برای اعضای هیئت علمی اصل بنیادین است. استاد دانشگاه باید بتواند دیدگاه های علمی و تحلیلی خود را بیان کند، حتی اگر این دیدگاه ها خوشایند جریان های حاکم نباشد. این که یک استاد به دلیل اظهار نظر علمی یا سیاسی، آن هم در چارچوب تخصص خود، با چنین برخوردی مواجه شود، بسیار نگران کننده است. در ادامه این روند من نامه برکناری دریافت کردم. در نامه رسمی برکناری از مدیریت، تعابیری به کار رفته بود که عملاً من را به نوعی تهدید امنیتی معرفی می کرد. به همین دلیل وقتی رئیس دانشکده درخواست جلسه حضوری کرد، اعلام کردم که با توجه به محتوای آن نامه، احساس امنیت نمی کنم که در دفتر ایشان حاضر شوم. بعد از آن، نامه ای دیگر صادر شد که عملاً آغاز فرایند اخراج بود. البته اخراج نهایی هنوز انجام نشده، چون در دانشگاه های دولتی آمریکا روند حقوقی طولانی دارد و من هم این مسیر را به طور جدی پیگیری می کنم و برای آن می جنگم تا بتوانم شغلم را پس بگیرم.»



جرم انگاری برای واژه «نسل کشی»

در ادامه از دکتر سعیدی خواستم درباره نقل قولی از او که گفته بود اگر در این پرونده پیروز شود، در واقع آزادی بیان در آمریکا پیروز شده است، بیشتر توضیح دهد. او معتقد است: «فشار بر دانشگاه ها سابقه دارد، به ویژه از سوی جریان های راست افراطی، به خصوص در ایالت های محافظه کار، مثل ایالتی که من در آن هستم؛ یعنی ایالت آرکانزاس که به نوعی قلب طرفداران ترامپ است. ۹۵ درصد نمایندگان این ایالت در کنگره از ایپک (کمیته روابط عمومی آمریکا و اسرائیل) پول می گیرند. بنابراین این افراد همیشه با دانشگاه مسئله داشتند. بعد از اتفاقات هفتم اکتبر، این فشارها به شدت افزایش یافته است. روایت غالبی که شکل گرفت این بود که هر کس از مردم فلسطین دفاع کند یا از واژه هایی مثل «نسل کشی» استفاده کند، به نوعی با گروه هایی که در آمریکا تروریست شناخته می شوند هم ردیف می شود. مثلاً می دیدم که یک خبرنگار را جزو گروه حماس معرفی می کردند و سه هفته بعد او کشته می شد. این ادبیات خطرناک است و در آمریکا و اروپا هم برای بازداشت، اخراج یا لغو فعالیت بسیاری از استادان، دانشجویان و روزنامه نگاران از آن استفاده شده است.»

رهبر ایران مانع از تبدیل جنگ ۱۲ روزه به بحران ۱۲ ساله شدند

باتوجه به پاسخ دکتر سعیدی از او پرسیدم چگونه می توان در مقابل این روند یعنی عادی سازی جرم انگاری برای انسان های آزادی خواه ایستاد و آن را تغییر داد؟ دکتر سعیدی با قاطعیت می گوید: «به نظر من، بخش بزرگی از این مبارزه، رسانه ای است. شاید بتوان گفت ۹۸ درصد آن به آگاهی رسانی درست وابسته است و این که مردم بتوانند واقعیت را درک کنند. وقتی این اتفاق برای من افتاد، حجم حمایت مردمی،



چه در آمریکا و چه در ایران، برایم غیرمنتظره بود چون من هیچ وقت علاقه ای نداشتم که شناخته شوم، من حتی یک فعال سیاسی هم نبودم و فقط یک استاد دانشگاه بودم. اما این اتفاق نشان می دهد که اگر رسانه ها دقیق و مسئولانه عمل کنند، افکار عمومی چطور می تواند حقیقت را از روایت های جعلی تشخیص دهد. وقتی به عنوان یک استاد دانشگاه، توثیق می زنم و از مدیریت هوشمندانه رهبر ایران تشکر می کنم که مانع تبدیل شدن یک جنگ ۱۲ روزه به یک بحران ۱۲ ساله شدند، این براساس علم است. من به عنوان کسی که در سن

نقش حامیان مالی دانشگاه ها برای تشدید فضای سرکوب

در ادامه از دکتر سعیدی درباره تاثیر فشار مالی در محدود شدن منتقدان اسرائیل پرسیدم. استادیار دانشگاه آرکانزاس به نقش اهداکنندگان مالی و ساختار اقتصادی دانشگاه های آمریکا اشاره کرد و توضیح داد: «در دانشگاه های خصوصی، آزادی بیان استادان بسیار محدودتر است. دلایلش هم روشن است. این دانشگاه ها به کمک های مالی خصوصی وابسته اند. اگر فرد یا نهادی سالانه میلیون ها دلار به دانشگاهی کمک کند، می تواند با تهدید به قطع این منابع مالی، بر تصمیم های دانشگاه اثر بگذارد و مثلاً دانشگاه را مجبور به اخراج استادی کند که مخالف منافع یا مواضع او سخن می گوید. در واقع اگر من در دانشگاه خصوصی بودم، راحت می توانستم من را اخراج کنند و من حتی نمی توانستم برای احقاق حق خودم بچنگم.



در دانشگاه های دولتی، سطح آزادی بیان بالاتر است، اما حتی آن جا هم فشارهای مالی و سیاسی، از طریق لابی ها و نهادهای مختلف، کاملاً محسوس است. زمانی که من در سپتامبر برای دیدار با آقای پزشکیان دعوت شده بودم، رئیس دانشکده به صراحت مخالفت کرد و گفت به دلیل تروریستی خوانده شدن حکومت ایران از سوی آن ها، این اقدام باعث از دست رفتن میلیون ها دلار فاندینگ دانشگاه خواهد شد. البته فشارها فقط مالی و اقتصادی نیست، یک بخش هم فشارهای سیاسی است که از سمت لابی های مختلف مانند براندازان

ZENDEGI-SALAM

روزنامه خراسان رضوی

سه شنبه • ۹ دی ۱۴۰۴
۹ رجب ۱۴۴۷
۳۰ دسامبر ۲۰۲۵
شماره ۲۱۹۵۳
۳۱۷۲

اسرائیل از توان نظامی ایران غافلگیر

شده بود

برایم بسیار ارزشمند بود که ارزیابی این پژوهشگر مطالعات خاورمیانه را از جنگ ۱۲ روزه اخیر بدانم. دکتر سعیدی می گوید: «من متخصص مسائل نظامی نیستم، اما براساس تحقیقات و مصاحبه با افراد مختلف که در این خصوص آگاهی کافی داشتند پاسخ می دهم. من همکاری دارم که در زمان جنگ ۱۲ روزه در اسرائیل حضور داشتند، آن ها می گفتند اسرائیل از توان نظامی ایران کاملاً غافلگیر شده بود و این یک واقعیت است که امروز حتی در رسانه های خودشان هم به آن اذعان می شود. آن ها پیش بینی نکرده بودند که ایران به لحاظ نظامی این همه پیشرفت کرده باشد و البته ایران هم به جدو با تدبیر این واقعیت را به خوبی پنهان کرده بود. علاوه بر این، نقش مدرانه و مدیریت بسیار دقیق آقای خامنه ای در این جنگ کاملاً مشهود و غیر قابل انکار بود که این را هم می توان با سند و مدرک اثبات کرد و به همین دلیل اخیراً ایشان به عنوان یکی از محبوب ترین چهره های خاورمیانه دوباره مطرح شدند. بدون شک در این جنگ ۱۲ روزه ایران پیروز شد به دو دلیل. دلیل اول این که تصور دشمنان ایران این بود که می توانند با این حملات غافلگیرکننده، مردم ایران را به خیابان ها بکشانند، مردمی که حق داشتند ناراضی باشند، مردمی که با مشکلات بسیاری مانند آب و برق و تحریم دست و پنجه نرم می کنند، اما نتوانستند و این بزرگترین پیروزی بود. مردم با هوشمندی متوجه شدند که هرگونه اصلاح و پیشرفت در امنیت کشور معنا پیدا می کند و نه در سایه حکومتی جعلی و کودک کش. مردم فهمیدند که کدام طرف می تواند از جانشان محافظت کند و در طرف درست ایستادند. دلیل دوم که ایران را پیروز این میدان می داند این است که بعد از این جنگ همه ایران را قدرت هسته ای تلقی می کنند، که البته این را من نمی گویم، بلکه متخصصان هسته ای در آمریکا می گویند که باید در محاسبات خود برای آینده، ایران را یک قدرت هسته ای در نظر بگیریم! چرا؟ چون آن زمان ایران با این که حق دستیابی به قدرت هسته ای را دارا بود (به دلایل پزشکی و دارویی) اما همچنان داشت با نهادهای بین المللی همکاری می کرد و اجازه بازرسی داده بود و همه چیز شفاف بود، اما دقیقاً در زمانی که ایران در حال برگزاری این جلسات بود، حمله صورت گرفت و این فشارهای غیرقانونی، انگیزه و گفتمان دستیابی به توانمندی هسته ای را در جامعه تقویت کرد و حالا حتی اگر حاکمیت هم نخواهد، در برابر خواست مردم برای دستیابی به توان هسته ای نمی توان مقاومت کرد و این پیروزی دیگری برای ایران بود.»

وظیفه ر سانه؛ تحقیق، صحت سنجی،

وفاداری به واقعیت

به عنوان کلام آخر از این استاد مطالعات خاورمیانه در آمریکا خواستم در مورد نقش رسانه های ایران به خصوص رسانه هایی که در خارج از ایران هم فعالیت دارند در پیشبرد اهداف حقوقی برای پیروزی آزادی بیان در آمریکا برایم بگویند. دکتر سعیدی معتقد است: «مهم ترین نکته این است که مطرح شدن اسمی اشخاص مثل من نباید باعث شود اصل ماجرا، یعنی رنج مردم فلسطین، فراموش شود. حمایت از افرادی که در خارج از ایران از حقوق فلسطینیان دفاع می کنند، در واقع حمایت از حقیقت است. حمایت از آن زنان و کودکان رنج کشیده است. رسانه ها باید دقیق، مستند و مستقل بنویسند، نه اینکه صرفاً باز نشر کننده مطالب یکدیگر باشند. تحقیق، صحت سنجی و وفاداری به واقعیت، مهم ترین وظیفه رسانه است. و در کنار همه این ها، من به نقش دعاهم باور دارم. این جنگ های بزرگ فراتر از توان فردی ماست، ما تلاش خود را در حد توان انجام می دهیم، با پیروزی می شویم یا نمی شویم اما باید دعا کنیم در نهایت این اتفاقات ختم به خیر شود. این عاقبت به خیری شاید زود محقق نشود و شاید ۱۰ سال دیگر طول بکشد اما در نهایت با پیروزی همراه خواهد بود.»

